روزنامه شرق

سیاست

نرمش عربستان و ترکیه تاکتیکی؛ نزدیکی غرب با ایران، واقعی است — صفحه ۸

جولان «داعش» در سپهر بحران‌زده منطقه — صفحه ۹

روزنامه — صفحه ۱۰

عکس: NBCnews

ظهور تروریسم «داعش»، اهمیت توجه به «اسلام میانه‌رو» را یادآوری کرد

نگاه‌ها به سوی ایران

نیلوفر منصوریان

دوماه پیش، زمانی که برای اولین بار نام گروهک تکفیری «داعش» شنیده شد، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد این گروه تا قلب عراق پیشروی کند و داعیه خلافت اسلامی‌اش را به اروپا و آمریکا بسط دهد؛ گروهی کوچک که اگر حمایت‌های مالی برخی کشـورهای منطقه نبود تا به‌حال از بین رفتـه بود. اما اکنون این گروه تروریستی که عملکردش یادآور روزهای تلخ حضور القاعده و طالبان در افغانستان است، به موضوع اول دنیا تبدیل شده و جهان اسلام به‌واسطه آنکه این گروه خود را به‌نوعی برخاسته از تفکرات اسلامی معرفی می‌کند، بیش از دیگران با این پدیده نوظهور دست‌وپنجه نرم می‌کند.

اگر تا دیروز جهان اسلام تلاش می‌کرد خود را از تفکرات افراطی‌طالبان جدا کند و از آن تبری جوید، امروز کاری سخت‌تر در پیش دارد. در این میان، ایران به‌دلیل هم‌مرزبودن با عراق و تسلط گروهک مذکور بر بخش‌های وسیعی در این کشور، با تهدید تازه‌ای در مرزهایش روبه‌رو شده است؛ تهدیدهایی که اگرچه دارای پتانسیل مواجهه با ایران نیست اما سودای آن را در سر می‌پروراند که از مرزهای عراق فراتر روند.

ایران تا پیش از آنکه این گروهک تکفیری به‌عنوان گروهی مدعی عملکرد اسلامی که ادعای خلافت دارد در عراق فعالیت خود را به شکل جدی آغاز کند، نسبت به بروز تفکرهای تکفیری و سلفی‌گری در منطقه هشدار داده بود. مولود تازه عراق که آن را شـاخه عراقی القاعده نیز توصیف می‌کنند، نشان داد ایران از مدت‌ها پیش درباره بازی «رقابت سنی و شیعه» در منطقه هشدار داده بود و ایجاد بحرانی جدید در دنیا و به‌ویژه جهان اسلام را پیش‌بینی می‌کرد. بحرانی که اگرچه به دلیل قدرت نظامـی ایران، امکان نفوذ «داعش» به مرزهای ایران را منتفی می‌کند اما می‌تواند در قالب جنگ روانی مرزها را پشت‌سر بگذارد و دغدغه‌هایی ایجاد کند. شایعه حضور تعدادی از اعضای این گروهک در زنجان، ادعای نفوذ در ایران و حمله به مشـهد، شـایعه حضور در اصفهان و قتل‌های سریالی، شایعه حضور افراد منتسـب به داعش در اردبیل و این اواخر ماجرای ورود خرماهای آلـوده به ایران نمونه‌هایی از جنگ روانی داعش در قبال ایران بود که البته همه آنها از طرف مقامات تهران تکذیب شد و راه به جایی نبرد.

در کنار تلاش برای آگاه‌سـازی افکار پیرامون این تاکتیک مرسـوم، ایران بارها اعلام کرده اسـت که همه مرزهای کشـور امن است و این گروهک‌های تکفیری تاکنون حتی به مرزهای ایران نزدیک نشده‌اند. اما آنچه در این میان از اهمیت زیادی برخوردار اسـت، حضور یک‌گروه تندرو مدعی اسلام در جوار ایران اسـت که می‌تواند در درازمدت امنیت ایران، منطقه و حتی جهان غرب را به‌خطر بیندازد. درواقـع ایران به‌دلیل آنکه عراق یکی از پایگاه‌های مذهبی ایرانیان محسوب می‌شـود نمی‌تواند در درازمدت با حضور چنین گروهی که امنیت ملی عراق، ایران و باورهای اسلامی را تهدید می‌کند، کنار بیاید. از این رو بحث حضور بخشـی از نیروهای نظامی ایران در عراق برای مبارزه با آنها از همان نخستین روزهای پیشروی داعش به قلب عراق مطرح شد. هرچند ایران این خبر را بارها تکذیب کرده است اما مواضع حسن روحانی رییس‌جمهوری و سایر مقامات جمهوری اسلامی درباره داعش نشان می‌دهد که ایران در صورت لزوم برای مبارزه با «داعش» وارد میدان شده و بر اساس درخواست طرف عراقی و نیازهای امنیت‌ملی خود عمل می‌کند. شاید روشن‌ترین موضع در این رابطه از سوی حسن روحانی اعلام شده باشد. موضعی که به‌نقل از وزیر کشور چنین اعلام شده است: «یک‌روز خبر آوردند که امکان سقوط شهرهای کربلا و نجف وجود دارد، رییس‌جمهور در آن جلسه گفت این شهرها خط قرمز ماست و اگر قرار باشد چنین اتفاقی بیفتد، هیچ محدودیتی در عملیات وجود نخواهد داشت».

رایزنی‌های منطقه‌ای

> **از آنجا که ایران می‌تواند همچون دیگر بحران‌های منطقه نقش موثری در حل آنها ایفا کند فرانسوا اولاند رییس‌جمهوری فرانسه از احتمال دعوت از ایران برای شرکت در کنفرانس بررسی چگونگی مقابله با داعش و به‌کارگیری اقدامی مشترک برای مقابله با آنها خبر داده است**

در کنـار این مواضع، تهران رایزنی‌هایش را برای یافتن راه‌حلی برای بحران داعش آغاز کرده است. در همین راستا، تهران هفته گذشته نمایندگانش را راهی عراق و عربسـتان کرد. از یک‌سو محمدجواد ظریف، وزیرخارجه ایران، با هدف حمایـت از یکپارچگی عراق و جلوگیری از پیشـرفت داعش به عراق رفت و با آیت‌الله سیستانی، نوری المالکی، ابراهیم جعفری، عمار حکیم، حیدرالعبادی و مسـعود بارزانی دیـدار کرد. پیش از آن نیز ایران بـا حمایت از حیدر العبادی، جانشـین نوری مالکی نخسـت‌وزیر عراق تلاش کرد تا به بهبود اوضاع آشفته عراق در شـرایطی که داعش در حال پیشروی در خاک عراق بود، کمک کند. از دیگرسو، حسین امیرعبداللهیان، معاون عربی‌آفریقایی وزیرخارجه نیز راهی عربستان شد تا با مقامات این کشور دیدار کند. سفری که گفته شد بحث بر سر تروریسم و گروهک‌هایی چون «داعش»، محور اصلی گفت‌وگو با مقامات سعودی بود. درواقع از آنجا که ایران و عربسـتان برای اولین‌بار طی سـال‌های گذشـته موضعی یکسـان در رابطه با انتخاب حیدر العبادی در پیش گرفته بودند، سفر امیرعبداللهیان به عربستان را می‌توان در راستای مواضع یکسان تهران و ریاض برای خاموش‌کردن القای جنگ شیعه و سنی و جنگ‌های موسوم به «نیابتی» -که بسیاری معتقدند در ظهور داعش در عراق تاثیرگذار بوده است -ارزیابی کرد. از سـوی دیگر از آنجا که داعش تهدیدی مشترک برای ایران و آمریکا به‌شمار می‌رود طی دوماه اخیر، زمزمه‌هایی مبنی بر همکاری تهران و واشنگتن دراین‌باره شنیده می‌شد؛ همکاری‌ای که با توجه به تحریم‌های جدید آمریکا در قبال ایران به نظر می‌رسد در شرایط کنونی امکان آن وجود ندارد. همچنانکه روحانی روز شنبه هفته گذشته در کنفرانس خبری‌اش نه‌تنها گفت که هیچ همکاری‌ای در مقابله با داعش با آمریکا در دستور کار نیست، حتی تاکید کرد اقدامات آمریکا مسبب ایجاد داعش در عراق و سوریه بوده است. این در شرایطی است که پیش از این روحانی آمادگی تلویحی ایران را برای همکاری با آمریکا درباره داعش اعلام کرده بود. پیش از این نیز دو کشور درمورد حضور طالبان در افغانستان با یکدیگر گفت‌وگو کرده بودند و به همین دلیل، بسیاری معتقدند که در نهایت این‌بار نیز بر سر داعش به گفت‌وگو خواهند نشست. فرانسه و انگلیس هم به‌طور رسمی، گفت‌وگو با ایران را برای مهار این نوع تروریسم تکفیری خواستار شده‌اند چه اینکه ایران اسلامی، مقابل اسلام افراطی تبلیغ‌شده توسط داعش را نمایندگی می‌کند. هرچند داعش بعد از سال ۲۰۰۳ و حمله آمریکا به عراق شکل گرفت و بعدها دامنه فعالیتش به سوریه بسط پیدا کرد، اما به باور کارشناسان، سیاست‌های غلط قدرت‌های منطقه و رقابت‌های بی‌دلیل مذهبی، در شـکل‌گیری افراط و ظهور این گروه افراطی تاثیرگذار بوده اسـت. اما با وجود رشد افراط‌گرایی در منطقه و این‌بار در جوار مرزهایمان، ایران همچنان با دخالت کشورهای دیگر و به‌ویژه آمریکا در منطقه مخالف اسـت؛ شـاید ازآن‌رو که معتقد است دخالت نظامی، بحران امنیتی در عراق را گسترش می‌دهد ازاین‌رو راه گفت‌وگو با کشورهایی که می‌توانند در خاموش‌کردن این بحران نقش‌آفرینی کنند را برگزیده است. از آنجا که ایران می‌تواند همچون دیگر بحران‌های منطقه نقش موثری در حل آنها ایفا کند، فرانسوا اولاند رییس‌جمهوری فرانسه از احتمال دعوت از ایران برای شرکت در کنفرانس بررسی چگونگی مقابله با داعش و به‌کارگیری اقدامی مشترک برای مقابله با آنها خبر داده است. هرچند هنوز معلوم نیست ایران به این دعوت پاسخ مثبت دهد اما این دعوت، بیان‌کننده نقش ایران در حل بحران‌های منطقه است. احتمـال دعوت از ایران در کنفرانس مقابله با داعش نشـان می‌دهد این‌بار نیز بسیاری به ایران برای پایان‌دادن نفوذ داعش در منطقه چشم دوخته‌اند.

تهران؛ خط مقدم ائتلاف ضدتروریستی

اردشیر زارعی‌قنواتی
تحلیلگر مسایل بین‌الملل

به‌نظر می‌رسد پایان چرتکه‌اندازی‌ها و تضادهای گذشته در بین قدرت‌های ملـی، منطقه و بین‌المللی بـا خطرات و تهدیدات روزافـزون گروه تکفیری «داعـش» به تدریج فرامی‌رسـد و همه این بازیگران دیر یـا زود باید موضع شفاف خود را در قبال سیر تحولات منطقه به‌خصوص در عراق و سوریه بیان کنند. به عکس، تصوری که تاکنون نسبت به این گروه وجود داشت و از آنان به‌عنوان گروهک تروریستی یا محلل آلترناتیو سنی‌ها در عراق و سوریه برای احقاق‌حقوق خود در عراق نام برده می‌شد، هم‌اینک اثبات شد که آنها پتانسیل بالقوه و بالفعل برای برهـم‌زدن ثبات منطقه و امنیت بین‌المللی را خواهند داشت. آمریکا، اتحادیه اروپایی و کشورهای محافظه‌کار عربی خاورمیانه از این پس چاره‌ای ندارند غیر از اینکه تعارف و بازی‌های پشت‌پرده قبلی خود جهت استفاده ابزاری از این کارت خونین را کنار گذاشته و به یک همکاری و تعامل سازنده با محور شیعه به رهبری ایران که از همان ابتدا با این گروه تروریستی مرزبندی ساختاری داشته است، وارد شوند. در اینکه «داعش» و دیگر گروه‌های همسو با این جریان تروریستی با حمایت و چراغ‌سبز کشورهای غربی، شراکت خانوادگی کشـورهای عرب خلیج‌فارس و خط ترانزیتی ترکیه برای بسـیج مجاهدان جهت شـرکت در جنگ داخلی سوریه و سقوط رژیم «بشار اسد» به کار گرفته شـدند، جای هیچ‌گونه شـک و تردیدی وجود ندارد. اما آنچه که امروز مهم اسـت، متوقف‌نشدن در گذشته و اثبات اتهام در این خصوص که بیشتر اهمیت‌بخشیدن به مسیری خواهد بود که تضمین ثبات و امنیت منطقه در آینده را در نظر داشته باشد. دوران انطباق منافع بین دولت اسلامی با واشنگتن-بروکسل و حتی اکثر کشورهای عربی تمام شده است و این هیولا همچون ساخته دکتر«فرانکشتاین» می‌رود تا سازندگان خود را هم در غرقاب خون غرق کند. به همین دلیل شکل‌بخشی به هرگونه ائتلاف ضدتروریستی و همکاری منطقه‌ای -بین‌المللی علیه دولت اسلامی بدون تجدیدنظر در میراث گذشـته این بازیگران ناممکن بوده و جبـر زمانه ایجاب می‌کند که حداقل به‌لحاظ تاکتیکی سیاست جدیدی اتخاذ شود.

به همین دلیل نقش ایران در معادلات جدید منطقه یک جایگاه کلیدی خواهد داشـت و تهران به جهت سابقه و پتانسـیل بالقوه و بالفعل خود در مبارزه با تروریسم داعش در این بین قادر است با در دست‌گرفتن ابتکارعمل، موقعیت آلترناتیوی خود را بر وضعیت کنونی تحمیل کند. از آنجا که تروریسم بنیادگـرای تکفیـری از دوره القاعده تا به امروز، بیشـترین تضاد و تقابل با منافع ملی ایران را در بطن خود دارد، ظهور انطباق منافع جدید بین تهران-واشنگتن -بروکسل (که حتی زیر فشار آنان آنکارا و محور ریاض -دوحه را نیز درگیر این ماجرا کرده است) می‌تواند فرصت مساعدی را در اختیار دیپلماسی ایرانـی قرار دهد تا هم جایگاه خـود را در معادلات جدید تثبیت کند و هم اینکه مسبب بسامان‌شدن اوضاع فعلی سـوریه شود. اظهارات «باراک اوباما» رییس‌جمهوری و ژنرال «مارتین دمپسی» رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا بعد از سربریدن «جیمز فولی» خبرنگار اسیر آمریکایی توسط جلاد بریتانیایی داعش، مبنی بر اینکه عزم جزم واشنگتن برای جنگ با دولت اسلامی حتی ورای مرزها به‌خصوص در سـوریه مدنظر قرار دارد، موضوع بسـیار حساس و مهمی اسـت که برای مدیریت درسـت موضوع احتیاج به کنترل و نقش میانجیگرانه ایـران جهت عدم تبدیل این فرصت به یک تهدید را می‌طلبد. از آنجا که ورود بدون اجازه رسـمی آمریکا به حریم ارضی یا هوایی سـوریه طبق قوانین بین‌المللی پذیرفتنی نبوده و می‌تواند یک دخالت یکجانبه تلقی شود که بعدا همچون مورد لیبی سبب سوءاستفاده شود، باید تهران به‌عنوان نزدیک‌ترین متحد دمشق قبل از آنکه دیر شود پیشنهاد «ایجاد ستاد بحران» با همکاری سوریه را کلید بزند. از طرف دیگر با توجه به تحولات هفته اخیر در سوریه که گروهک مذکور بار دیگر به‌نظر می‌رسد کانون تحرکات خود را به شمال سوریه منتقل کرده و حتی به موفقیت‌های میدانی همچون تسخیر بزرگ‌ترین پایگاه هوایی این کشور در حومه شهر «رقه» رسیده است، ضرورت ایفای نقش کاتالیزوری تهران دوچندان می‌شود.

سـفر سـه‌روزه «محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران به عراق برای دیدار و رایزنی با رهبران سیاسی این کشور از جمله«حیدر عبادی» نخست‌وزیر جدید، نوری مالکی، هوشیار زیباری، فواد معصوم، سالم جبوری، عمار حکیم، مسعود بارزانی و جلال طالبانی رهبران رنگین‌کمانی این کشور برای تشکیل یک دولت فراگیر گویای یک تلاش سـازنده برای شکل‌بخشـی جهت یک مصالحه ملی بوده اسـت. ظریف طی این دیدارها تاکید کرده است با توجه به روشن‌شـدن ماهیت «داعش» هم‌اکنون تمام کشورهای منطقه و جامعه جهانی باید علیه آن وارد عمل شـوند. این سـخن وزیر امور خارجه ایران در هفته اخیـر بارها از زبان رهبران اروپایـی - آمریکایی و همچنین در خلال نشسـت اخیر کشورهای عربستان، قطر، امارات‌متحده، مصر و اردن در جده نیز به گوش رسیده است. به‌همین‌دلیل بستر لازم جهت یک ائتلاف منطقه و بین‌المللی هم‌اکنون مهیا شده و به همان دلیل که تهران بیشترین مرزبندی را با داعش از گذشته تا حال داشته و نقشی که می‌تواند در همکاری‌های ائتلاف ضدتروریستی در شراکت با دولت دمشق برای سرکوب داعش در این کشور ایفا کند، یـک امر غیرقابل انکار خواهد بود. از آنجا که ورود یکجانبه آمریکا به حریم سرزمینی سوریه به بهانه حمله به مواضع داعش می‌تواند در آینده تغییرجهت داده و به‌عنوان چتری حمایتی برای دیگر نیروهای همسو با این کشور علیه دمشق مورد سوءاستفاده قرار گیرد، تهران باید ضمن ارایه نقشه‌راه برای عملی‌شـدن سرکوب گروهک مذکور، با گرفتن تضمین‌های حقوقی و عملی لازم درخصوص شـراکت سوریه در این طرح مانع از «انحراف موضوع» شود. شراکت ضمنی دمشق با میانجیگری ایران در ائتلاف ضدتروریستی که تلویحا توسـط رهبران اروپایی -آمریکایی نیز مورد اشـاره قرار گرفته است، در صورت نقش واسـطه ایران و تضامین امنیتی حول دفاع از سـوریه یک سـودمندی دوگانه تلقی می‌شـود از یک طرف تهران بـا ورود به این بازی، هژمونی منطقه خود جهت تضمین ثبات و امنیت منطقه را اثبات می‌کند و از طرف دیگر در صورت کشاندن پای غرب به مشارکت عملی با دولت سوریه برای سـرکوب داعش سبب خروج اسد از شـرایط کنونی را فراهم می‌کند. هرچند گفته می‌شود غرب تمایلی برای نزدیکی به بشار اسد جهت مبارزه با داعش ندارد، اما پراگمای سیاسی، واقعیت میدانی خود را بر تحولات منطقه به اثبات رسانده و همین رهبران نیز درک کرده‌اند که بدون مشارکت ایران و دمشق هرگونه مبارزه با داعش به موفقیت ختم نمی‌شود. این ائتلاف سیاسی برای ایران یک اولویت و الزام امنیتی برای تضمین ثبات منطقه است و برای سوریه نیز می‌تواند موجب ظهور یک فرصت طلایی در حوزه سیاسی و نظامی برای خروج از موقعیت ناخوشـایند فعلی باشد. تحولات جدید در عراق نیز چنانچه با کارشکنی یا ندانم‌کاری بخش‌های فرقه یا قومی این کشور مواجه نشود، زمینه یک ائتلاف ملی با مشارکت همه طیف‌ها از شیعیان، سنی‌ها و کردها را می‌تواند فراهم کند و بستر مساعد فعلی برای رشدونمو داعش در این کشور را بخشکاند. هفته‌های اخیر بسیار تعیین‌کننده خواهد بود و بازیگری که اهمیت زمان را بهتر از دیگری درک کند، می‌تواند به همان نسبت نقش هژمونیک خود را در تحولات منطقه ایفا کرده و ابتکارعمل را به دست گیرد.

نگاه

فصل مشترک ایران و کشورهای اسلامی

محمدتقی فاضل‌میبدی

امپراتوری عثمانی حدود شش‌قرن بـر بخش‌هـای مهـم خاورمیانـه و قسـمتی از شـمال آفریقا و در حوزه مدیترانه خلافت کـرد. این امپراتوری بعـد از حکومت عباسـیان که بیش از پنج‌قـرن بر دنیای اسـلام حکومت می‌کردند، از پهناورترین و مقتدرترین خلافت‌هـای اسـلامی بوده اسـت. تا انقـراض خلافت عثمانیـان حکومت بر محـور خلافت می‌چرخیـد و این شخص خلیفه بود که در کشور پهناور اسـلامی تصمیم می‌گرفـت. پس از جنگ‌جهانـی اول و فروپاشـی دنیای خلافت عثمانی و تجزیه کشـورها و با پیدایش فلسـفه‌های سیاسی جدید، اداره کشـورها شـکل دیگری به خود گرفـت. ترکیـه کـه مرکـز خلافت عثمانی بود با آمدن آتاتورک مدرنیته را با خود به همـراه آورد و جمهوریت شـکل مدرن حکومت شـد. کسانی که دغدغه حکومت اسـلامی داشتند یا اسلام سـلطنتی را می‌خواستند، با جمهوریـت از در مخالفـت برآمدند و شیوه درست حکمرانی را سنت سلف می‌دانستند تا با آن احکام شریعت را به اجرا درآورند. اخوان‌المسلمین در مصر و سایر گروه‌های سلفی چون وهابیت در عربسـتان و بعدها القاعده، طالبان، النصـره و از همه افراطی‌تـر داعش و بوکوحرام ادعای ایـن را دارند که باید شریعت اسلام به شکل پیشین (سلف) زنده و اجرا شود. ما به نقدوبررسی این جریان‌های فکری در این نوشته کوتاه وارد نمی‌شـویم. - در نوشـته‌ای در روزنامه «شرق» درباره ریشه‌های فکری و فقهـی داعش مطالبـی آوردم - اما آنچه مورد اهتمام است، موضع کنونی کشورهای اسلامی در منطقه در قبال این جریان‌های تند و خشونت‌بار فکری اسـت که خلافت اسـلامی را در سر می‌پرورانند. بر این باورم که این رویداد علاوه بر بستر فکری و فقهی بسترهای سیاسی و بین‌الدول منطقه‌ای دارد که نمی‌توان از کنار آن گذشـت و تنها با برخورد نظامی آن را به کنار زد.

۱- از چیزهایی که بستر نفوذ این حرکت‌هـای افراطی را آمـاده کرده، سیاسـت‌های فرقه‌گرایـی در برخی کشـورهای اسـلامی اسـت. امروزه وهابیت به‌عنوان یـک مذهب اقلیت اسلامی خود را برحق می‌بیند و سایر فرقه‌هـا و مذاهب اسـلامی را باطل می‌شـمارد و در ایـن راه شـیوه‌های خشـنی را در پیـش گرفته اسـت و بر این باور اسـت که با بازگشـت به سـنت سـلف می‌توان جهان را اداره کرد. هر نوع بنـای مذهبی که خارج از این فرقه باشـد انهدام آن را واجب می‌شـمارد یا در نگاه برخی شیعیان تندرو- که متاسـفانه ایـن دعواها به شـبکه‌های ماهواره‌ای کشـیده شده اسـت- فرقه‌های اهل سـنت باید از حقوق اجتماعی محروم باشند چون خارج از مدار ولایت زندگی می‌کنند یا عکس آن در عربسـتان اسـت که باید شـیعه‌ها در انزوای سیاسی قرار گیرند، کاری که در این چندسـال در عراق توسط سیاسـت حاکم صورت می‌گرفت، در حالی که مرجعی چون آیت‌الله سیستانی، اهل‌سنت را برادران خود می‌خواند. این سیاست‌ها به‌طور طبیعـی راه را برای نفـوذ گروه‌های افراطی فراهم کرده و می‌کند.

ادامه در صفحه ۹

طلیعه

ایران و مقابله با سلفی‌گری

فریدون مجلسی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

ادیان به‌طور کلی مجموعه‌ای از دستورات رفتاری اخلاقی و معنوی هستند، نه دسـتورات رفتاری غیراخلاقی و خشونت‌آفرین. در حالی که تاریخ پر است از رفتارهای دوگانه مدعیان پیروی از دسـتورهای رفتاری اخلاقی! در تواریخ یهودی، مسیحی و اسـلامی آنگونه کردارهای خشونت‌بار، نه‌فقط در رفتارها و برخوردهای میان مذاهب متفاوت، بلکه حتی با خشـونت بیشـتر در درون شاخه‌های متفاوت ادیان بسیار دیده‌ایم.

و باز در جوامعی با همین ادیان با تجلیات تساهل و همزیستی بسیار مواجه بوده‌ایم. چرا چنین بوده اسـت؟ چرا زمانی خشونت و نابردباری حاکم بوده و زمانی تسـاهل و همزیسـتی؟ درواقع عامل اصلی رویارویی درونی یا بیرونی مذاهب نیستند. مساله تضاد قدرت‌هاست. حتی جدایی‌های برخی فرقه‌هایی که ادعای رفتار برپایه دین داشته‌اند، دلایل دیگری داشته است. وقتی اعراب، اسـلام را با خود به ایران آوردند بعضا رفتارهایشان مناسب نبود، اما زمانی که بر آن مبنا حکومت تشکیل دادند، یعنی دین را با حکومت و سیاست تلفیق کردند، به مقتضیات و ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی تن دادند. وقتی در جامعه خود با باورها و ادیان گوناگون مواجه شدند دو راه‌حل داشتند، یا برای ایجاد جامعه‌ای تکواره و همگون با تعصب بکشند و کشته شوند، یا با تساهل و آرامش به ایجاد و توسعه جامعه‌ای مرفه و مقتدر و اخلاقی کمک کنند. در آغاز شیوه نخست را به کار می‌بردند و با معاذیری دربند اخلاق هم نبودند، در مراحل بعدی که توانمند و قوی و دلیر بودند نیازی به آن تجلیات و معاذیر غیراخلاقی نمی‌دیدند. این رخداد در جوامع مدنی سـریع‌تر رخ می‌داد و در جوامع بدوی به درازا می‌کشید.

وقتی اسلام در بغداد و دمشق مستقر شد، به شیوه‌های مدنی گروید و وقتی در ایران استقرار یافت، به آسانی به رنگ مدنی درآمد و به آن فرهنگ، ادب، هنر و علوم سامانی دست یافت. ترکان غزنوی با اینکه رفتارهای خشن‌تری داشتند، اما طی سـه نسل پرورده و برخاسته از درون نظام سامانی بودند و سلجوقیان و خوارزمشاهیان بعدی، بسیار ملایم‌تر از آنی بودند که از طبایع بدوی غزهای وادی‌های ترکستان چین برمی‌آمد! فراموش نشود که مولانا جلال‌الدین بلخی با همه تساهل و طبع سازگار و مهربانش، فرزند یکی از متعصب‌ترین دین مداران عهد خود بود. اما به‌زودی و زمانی که مغولان با شمشیر و یاسا «یورش» آوردند و «اردو» زدند و «ایلغار» کردند، با اینکه به اسلام گرویدند، اما تا زمانی که طبع بدوی و یاسایی بر آنان چیره بود، جز رفتار بدوی از آنان سرنزد! زمانی دراز لازم بود تا چنگیز به هلاکوی خلیفه مال و الجایتو به سلطان‌محمد خدابنده تبدیل شود. اما هنگامی هم که به آیین تازه گرویدند، پیوند خشن و متحجر مغولی خود را در آن به یادگار گذاشتند، گویی سعدی و مولانا و خواجو و عبید و حافظ آخرین اخگرهای فروزان بازمانده از آن فرهنگ مدنی سامانی بودند!

در همان سرزمین قونیه که تدریجا از قلتمش سلجوقی، کیقباد و کیخسرو می‌سازد و مولانا از اختلاف فارس و ترک و عرب و رومی (یونانی) می‌گوید که اولی انگور و دومی عنب می‌خواهد و سـومی ازم و چهارمی اسـتافیل و بر سر هم می‌کوبند، بی‌آنکه بدانند همه یک‌چیز می‌خواهند، ناگاه مواجه می‌شویم که دولت عثمانی با وجود سودبردن از آراستگی فرهنگ فارسی و تساهل سلجوقی، ناگهان به کشتار ترکان شیعه شام و آناتولی دست می‌زند و آنان را به ایران و نزد بازمانده اوزون‌حسن آق قیونلو، نوماش شاه اسماعیل صفوی می‌کوچاند، که برخی مانند شاملوها و استاجلوها و شامبیاتی‌ها هنوز نام خاستگاه‌های قبلی در شام و استاج و غیره را بر خود دارند و اینان نیز تا زمانی که مدنی شوند و آرام بگیرند در تبریز و نقاط دیگر کشتارهای سنگین از سنی‌های بومی راه انداختند و انتقام بورسا را از تبریز ستاندند! که «چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند.»

امروز، در قرن ۲۱ با خشـونت‌هایی از همان رنگ‌وبوی بدوی و چنگیزی مواجه‌هستیم.

اما امروز در پیرامون خود شاهد پدیداری گروه‌هایی خشن و تندرو هستیم؛ گویی غول‌هایی هسـتند که کسانی آنها را از بطری بیرون آورده و دیگر توان بازگرداندن آنها را هم نداشته باشند!

در آبان سـال گذشـته، در یادداشتی در «شرق» با اشـاره به رفتارهای مشکوک عربستان در انفجارهای عراق و سوریه و افغانستان از آن به‌عنوان «بره‌ای که هار شـد» نام برده و نتیجه گرفته بودم که: «به عقیده من خطر آن نوع بهار دموکراتیک عربی در آن کشـور بسیار ضعیف‌تر از خطر خزان عربی ستیزه‌جویانه وهابی است، که عربستان خودش در خارج از کشور به آن پروبال داده و سرانجام درونش را نیز درخواهد نوردید!» اکنون عربستان در سوریه و عراق با انفجارهای مکرر انتحاری و حمله‌های گستاخانه «امارت اسلامی عراق و شام» با تجهیزات کامل مزدوران بین‌المللی وهابی در سوریه و حتی فعالیت‌های سـپاه النصره در مناطق کردنشین و شرارت‌های اخیر در جنوب بلوچستان و شـبیخونی از درون، حکایت از همین واکنش‌های غیرعقلانی عربستان دارد. باعث تاسف خواهد بود اگر دولت عقلگرای ترکیه در اوج توسعه اقتصادی و اجتماعی به جای واکنش عقلانی در برابر این خطر افراطی‌گری وهابی، به‌جای روی‌آوردن به تنش‌زدایی و آرام‌بخشی به روابط بین‌المللی، در دام فریبندگی‌های مالی و تعصبات مسـلکی وهابیون بیفتد و آب در آسـیاب دشـمن بریزد! عملکردهای عربستان، فقیرترین کشور تا نیم‌قرن پیش که صدقات و گوشـت‌های قربانی حاجیان بزرگ‌ترین منبع ارتزاق آن بود، مرا به یاد فیلمی می‌اندازد که نزدیک ۴۰سال پیش دیده بودم به نام بره یا گوسفندی که هار شد!

در آن فیلم ایو مونتان در نقش کارمندی بی‌استعداد و ساده‌لوح به کار در اداره‌ای با همکارانی هوشمند و زرنگ می‌پردازد. از قضا همان کارمند ساده‌لوح وارد رابطه‌ای اتفاقی با یکی از سیه‌چشـمان همکار می‌شـود که تا دیگران به خـود بجنبند، از آن بره بی‌دسـت‌وپا، کازانوایی می‌سـازد که جسـارت‌ها و دست‌اندازی‌هایش همه را حیران می‌کند!

ادامه در صفحه ۹